

روح شاد!؟

محمد، یم، شیخ الاسلامی
(بہرہ)

سرشناسه : شیخ الاسلامی، محمدکریم، ۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدآور : روح شاد؟! مؤلف: محمدکریم شیخ الاسلامی (بهرورز).
مشخصات نشر : تهران: انتشارات توکلی، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۳۰۰ ص، ۲۱/۵ × ۱۴/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۲۱-۷۸۲-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیا
موضوع : ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴ - ۱۳۵۷
موضوع : Iran - History - Pahlavi - 1925-1978
رده بندی کنگره : DSR ۱۴۷۶
رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۲
شماره کتابشناسی ملی : ۶۲۰۹۹۲۸



رومت شاد؟

مؤلف: محمدکریم (بهرورز) شیخ الاسلامی

موضوع: تاریخ معاصر

صفحه آرا: امید مقدس

ناشر: انتشارات توکلی

چاپ: اول ۱۳۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: مشکی

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۲۱-۷۸۲-۲ ISBN: 978-964-5821-78-2

تهران: خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - مجتمع فروزنده - شماره ۳۲۵

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۶۹۲۶ فکس: ۰۲۱-۶۶۹۵۷۰۸۹

Email: tavakolipublications@yahoo.com

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۵
یادآوری.....	۱۱
مقدمه.....	۱۳

بخش اول

رضاشاه

رضاشاه - در یک نگاه.....	۳۷
نگاهی به برخی سیاست‌های رضاشاه در دوران سلطنت.....	۴۱
- رضاشاه و نفت.....	۴۱
- موضوع راه آهن سرامی.....	۵۴
املاک و زمین.....	۶۴
- سیاست اسکان عشایر.....	۷۸
نمونه‌هایی از اقتصاد رضاخانی.....	۸۴
- رفتار با مخالفین.....	۹۲
خلاصه سیاست خارجی رضاشاه.....	۱۰۵
ارتش رضاخانی.....	۱۱۴
وضعیت دموکراسی.....	۱۲۹
سخن آخر.....	۱۳۸
نکاتی در مورد کتاب "رضاشاه" نوشته دکترصادق زیباکلام.....	۱۵۰

بخش دوم

حکومت محمدرضا پهلوی

مقدمه.....	۱۷۳
نگاهی به اوضاع کلی ایران در حکومت محمدرضا پهلوی.....	۱۷۸

۱۹۷	 سرسپردگی
۲۰۵	 خودکامگی
۲۱۶	 برخی مناسبات درون حکومت پهلوی دوم
۲۳۱	 دارایی‌ها و املاک شخصی
۲۵۱	 هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی
۲۶۲	 جشن‌های ۲۵۰۰ ساله
۲۶۶	 وضعیت حقوق بشر و رفتار با مخالفین
۲۸۰	 شاه و موکراسی
۲۸۶	 سیاست‌های کارگری
۲۹۴	 سخن آخر
۲۹۷	 فهرست منابع و اخذ

پیشگفتار

در سال‌های اخیر شاهد اعتراضاتی در نقاط مختلف کشور بوده‌ایم که حتی بعضاً توسط مقامات مملکتی، برحق دانسته شده‌اند. تجزیه و تحلیل ماهیت این اعتراضات از رصه این نوشتار خارج است. اما آن‌چه که انگیزه و محرک این مکاتبه دیه سردادن شعارهایی ناسنجیده از سوی بعضی از معترضین بود که نشان از اطلاعات ضعیف و حتی بی‌اطلاعی آنان از تاریخ رژیم پهلوی داشت؛ شعارهایی مانند "روح شاد رضاشاه" و از این قبیل در پاسداشت دوران پهلوی و حمایت از دست‌ان‌دان آن رژیم. ظهور پررنگ این شعارها منحصر به این اعتراضات نبود بلکه در سال‌های اخیر نیز - به‌خصوص در فضای مجازی - از خدمات و زحمات رضاشاه و فرزندش محمدرضا، ستایش شده است و حتی سخنان یا اعمالی که آن‌ها هرگز نگفته و نکرده‌اند نیز به نامشان جعل گردیده و در فضای تیره و تاریک سازی دست به دست گشته است.

این شعار که معمولاً به همراه پشیمانی از انقلاب ۱۳۵۷ در دهه آمیخته، ناشی از کج فهمی آشکار از انقلاب به عنوان یک پدیده اجتماعی و تاریخی از یک طرف و تلاش به منظور دوری جستن از هرگونه حرکت انقلابی و اصولاً انزجار از نام انقلاب از طرف دیگر است. با این شعارها تلاش می‌گردد که به مردم القا شود که در انجام انقلاب ۵۷ دچار اشتباه شدند. درحالی‌که این محمدرضا پهلوی بود که قبل از انقلاب به اشتباهات خود اعتراف کرد. متأسفانه این حقیقت تاریخی که پادشاه

مملکت به اشتباهات خود در کار زمامداری اقرار نموده و تعهد به عدم تکرار آن‌ها داده بود، از جانب طرفداران او نادیده گرفته می‌شود و در عوض مردم رنج‌دیده‌ی ایران را متهم به اشتباه می‌کنند.

انقلاب برخلاف تصوّر طرفداران سلطنت پهلوی و علی‌رغم نظر مخالفین انقلاب، امری تماماً ارادی و ساده نیست که در آن عده‌ی کثیری از مردم تصمیم بگیرند و به خیابان‌ها بریزند و شعار ضدّ حکومتی سردهند و طیّ چند روز یا چند ماه حکومت را سرنگون کنند. این ساده‌انگاری، هم ناشی از عدم شناخت ماهیت انقلاب و حرکت‌های انقلابی است و هم ناشی از فراموشی طلبی مخالفین انقلاب، برای حفظ شرایط موجود.

می‌دانیم که انقلاب دارای زمینه‌های تاریخی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی متعدّدی است. پس از سازمان‌یافتن به صورت هماهنگ عمل کرده و در نقطه‌ی اوج این هماهنگی اعتراض‌های جمعی شکل گرفته و با هم‌بستگی معترضان که از ستم و جور به تنگ آمده‌اند به نتیجه می‌رسد. به عبارت دیگر انقلاب را مردم معترض با حضور خود آغاز نمی‌کنند بلکه به پایان می‌رسانند و این جاست که تمام فرصت‌ها برای مستبدین از دستشان می‌رود. زمانی محمدرضا پهلوی پیغام ملت ایران را شنید که بسیار دیر شده بود او سال‌ها پیش از بهمن ۵۷ باید می‌شنید.

این ساده‌نگری است که گفته می‌شود مردم ایران در ماه‌های آخر سال ۵۷ از ظلم و جور حکومت پهلوی به ستوه آمدند، در نتیجه برای رهایی از این ستم و بیداد به خیابان‌ها ریختند و انقلاب کردند. این فقط یک بیان ناقص و دم بریده از تحولات انقلابی سال ۵۷ است. درحقیقت تباهی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در دوران سلطنت پهلوی مجموعه‌ی جامعه‌ی ایران را در مسیر انقلاب قرار داد. سازمان‌های حاکمیت سست و آسیب‌پذیر شدند، بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی کشور دچار بحران و از هم گسیختگی شدند و

امکان حکومت برای نظام پهلوی و شخص شاه، از بین رفت. از طرف دیگر نارضایتی، حق کشی، ستم و استبداد و نبود آزادی‌ها و سرکوب مخالفین، توده‌ی مردم را در کنار هم قرار داد و آن‌ها را برای بیان خواسته‌های خود به خیابان‌ها کشاند و به این ترتیب راه انقلاب و سقوط پهلوی گشوده شد. اما این شعارها چرا و چگونه در برخی موارد با رضاشاه شروع شد و به پیشانی از انقلاب انجامید در حوصله‌ی این نوشته نیست.

این‌که با آمدن رضا شاه جلوه‌ی تمدن و تحولات اقتصادی و فرهنگی به ایران ورود پیدا نمود به گریه‌ای عراو آمیز نمایانده می‌شود و گویی اگر بعد از انقراض قاجاریه، رضا خان در کار نبود، کشور ایران سال‌ها و بلکه تا کنون عقب مانده و در دام روابط اقتصادی فئودالی و کهنه قرن نوزدهم وامانده بود. در حالی که شرایط بین‌المللی و تحولات عظیم آن روزگار از طرفی و منافع استعمارگران انگلستان از طرف دیگر سرنوشت ایران را رقم می‌زد و رضا خان گزینه مناسبی بود که با هر دو عامل مذکور هماهنگی داشت.

«رضا خان رهبری قزاق‌ها را در کودتای ۱۹۲۱ (۱۲۹۹ ه. ش.) بر عهده داشت. در آن هنگام به نظر می‌آمد که کشور در آستانه راهزنی و یاغی‌گری و جنگ داخلی و فروپاشی اجتماعی است. سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۶ را می‌توان دوران گذار نامید؛ یعنی دوره فترت حکومت‌های موقت و مبارزات بر سر قدرت که در آن رضا خان با یک رشته کارهای موفقیت‌آمیز سیاسی و نظامی به پیروزی رسید. در همین دوره، او از بالاترین میزان مشروعیت سیاسی و گسترده‌ترین حمایت در طول دوران زندگی خود برخوردار بود. دوره پنج

ساله بعدی یعنی از ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۱ دوره دیکتاتوری و حکومت فردی رو به رشد بود و در همین دوران بود که با وجود میزانی از مشاوره و مشارکت، رضاشاه به یک حکمران مطلق تبدیل شد و در همان حال از حمایت طبقات متوسط جدید نیز برخوردار بود. سرانجام در جریان ده ساله بعدی یعنی ۱۹۳۱ تا اشغال ایران از سوی نیروهای متفقین در ۱۹۴۱ قدرت شاه نه تنها معاف بلکه خودسرانه نیز شد. در نتیجه او پشتیبانی همه طبقات اجتماعی را، چه در سطح بالا و پائین، چه متجدد و چه سنتی از دست داد.^۱

اما رضاشاه حتی با استفاده از شرایطی که گاه او را موجه جلوه می داد، در همان ابتدای دوره کارش در وزارت جنگ و سپس رئیس الوزرائیش مورد اعتماد واقعی مردم و نمایندگان مجلس نبود. به همین خاطر رضا خان در تاریخ دوم مرداد ۱۳۰۲ به عنوان رئیس الوزرا توسط مجلس شورای ملی به دلایل زیر استیضاح می گردید:

- (۱) سوء سیاست نسبت به حله و خارجه
 - (۲) قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حرمت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی
 - (۳) تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.
- البته درگیری ها و ضدیت های رضاخان در هر دو وزارت او، چه با مردم و چه با مجلس، کم نیست و او در تمام تاریخ حکومت خود در برابر خواسته های عموم مردم ایستاده و نیات شخصی خود را به اجرا درآورده است.

در این نوشتار می خواهیم به گذشته ای که با رضاشاه شروع گردیده و با

محمدرضا پهلوی خاتمه یافته اشاره‌ای گذرا داشته باشیم و برخی انتقافات و رویدادهای مهم و معروف آن را مرور نماییم.

اگرچه نوشته‌ها و گفته‌ها در این باره زیاد است، به نظر می‌رسد همین نوشته‌ها را خیلی‌ها نخوانده و به گفته‌ها نیز گوش نداده‌اند و صرفاً به اطلاعاتی سطحی از دوران گذشته بسنده کرده‌اند و آخر سر شعار سر می‌دهند که «رحمت شاد رضا شاه».

ازم به ذکر است که هدف از این نوشتار، تاریخ‌نویسی نیست؛ چرا که این، کار تاریخ‌نگاران است و بررسی فراوان می‌خواهد. اما در این جا فقط از باب یادآوری می‌خواهیم: گذشته‌ای نه چندان دور نظری محدود بیفکنیم. به همین جهت اگر در ارائه مطالب پیوستگی لازم وجود نداشته باشد جای تعجب نیست.

متأسفانه اهالی تاریخ‌نویسی و تاریخ‌نگاری اهمیت بی‌این موضوع نداده و در مقابل انحراف و وارونه شدن سبب و سبب‌های تاریخی موضوع نگرفته‌اند و این سکوت آنان موجب گردیده تا همچو منی که پژوهش‌های تاریخی در تخصص او نیست به این کار وادار گردد. این رسته به دلیل این که در مقام بیان فهرست محدودی از مظالم دوران پهلوی هاست ادعای کامل و رسا بودن ندارد. کتاب‌ها و مقالات و سخنرانی‌ها و پژوهش‌های ارزشمند و گسترده‌ای در مورد تاریخ پهلوی‌ها منتشر شده است که شاید این دسته خلاصه‌ای از آن‌ها باشد.

پیش از گردآوری این مطالب قرار بر این بود که طی مقاله‌ای، به طور فشرده، به مواردی انگشت شمار از برخی وقایع دوران پهلوی که معکوس خوانده و ارا نه شده‌اند، اشاره گردد. اما جذابیت موضوع موجب کنجکاوی مؤلف گردید و منابع بیشتری به میان کشیده شدند و به ناچار مطالب نیز انباشته‌تر شدند و این بود که تصمیم به تجلید آن‌ها گرفته شد.